پرورش اخلاق از طریق کتاب درمانی در متون ادب پارسی

دکتر فرشته آهنگری[1]، معصومه محلوجی‌زاده مهابادی[2*]

1. عضو هیأت علمی بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران

2. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی، دانشگاه نجف‌آباد

(تاریخ دریافت 93/4/8، تاریخ پذیرش 93/6/15)

چکیده

زمینه: کتاب، جایگاه عرضهٔ اندیشه‌های بکر از ژرفای تفکر و احساس است و چون از روح و روان گوینده در شرایط خاص خود نشأت می‌گیرد در شرایط مشابه بر خواننده، اثر می‌گذارد؛ به مصداق «سخن کز دل برآید لاجرم بر دل نشیند». از آغاز، علت تألیف کتاب، راهنمایی و پرورش روح آدمی با هدف حفظ تجارب گذشتگان بوده است؛ آنچه که امروزه بدان «کتاب درمانی» می‌گویند. در فرهنگ قدیم و غنی ایران همواره از کتاب برای درمان مشکلات روحی، ایجاد انگیزه برای مبارزه با سختی‌های زندگی و نیز به‌عنوان وسیله‌ای در جهت رشد اندیشه و خرد بهره برده‌اند؛ چنانکه ماجرای شهرزاد و پادشاه، خردنامهٔ اسکندری و نگارش سیاست‌نامه و قابوسنامه از مثال‌ها و مصداق‌های آن است. در این مقاله به بررسی کتاب درمانی در فرهنگ ایران پرداخته شده است.

نتیجه‌گیری: کتاب می‌تواند در پرورش و تعالی اخلاق در جامعهٔ امروزی بسیار مؤثر باشد. متون ادب پارسی پر از کتاب‌هایی است که هدف آن رشد اخلاقی است هم در جنبهٔ فردی و هم در جنبهٔ اجتماعی. ازاین‌رو باید از کتاب به‌عنوان یک منبع ارزشمند در درمان استفاده کرد. کتاب درمانی در دو بخش کتاب درمانی رشدی و کتاب درمانی بالینی قابل بررسی است. تمام کتاب‌های حوزهٔ ادبیات تعلیمی، نوعی کتاب درمانی رشدی هستند و از بازنویسی داستان‌های تمثیلی می‌توان به‌عنوان کتاب درمانی بالینی استفاده کرد.

کلیدواژگان: اخلاق، کتاب درمانی، ادب فارسی

کتاب یک رسانهٔ گروهی است که در آن مطالبی ضبط شده و قابل انتقال باشد و بازیابی مطالب آن از نظر زمان و مکان محدود نباشد (1). کتاب‌ها بخش بنیادین تمدن بشر هستند که نه تنها وظیفهٔ انتقال دستاوردهای گذشته به نسل آینده را برعهده داشته‌اند بلکه در پرورش انسان‌ها از جوانب متفاوت دانش افزایی، لذت‌آفرینی، رشد شخصیت[1]، تغییر فلسفهٔ زندگی، آرامش‌بخشی و الگودهی، نقش اساسی ایفا کرده و می‌کنند. با ویژگی‌های برشمرده، کتاب‌ها مهم‌ترین ابزار آگاهی‌بخشی، رشد فکری و پرورش روان‌اند. توجه به ارزش کتاب در تحول زندگی بشری در فرهنگ و ادب ایرانی همواره مورد توجه بوده‌است چنان‌که حافظ شیرازی با تأکید بر ارزشمندی همنشینی با کتاب چنین فرماید(2):

دو یار زیرک و از بادهٔ کهن دو منی
فراغتی و کتابی و گوشهٔ چمنی
من این مقام به دنیا و آخرت ندهم
اگر چه در پی‌ام افتند هر دم انجمنی

انسان‌ها همواره به هنر و زیبایی‌های هنری توجه داشته‌اند و آن را برای پرورش و ارتقای روح انسانی به کار برده‌اند. «هنر، به وجود آوردن زیبایی است و زیبایی آن است که زندگانی را پرمایه و متمتع سازد، پس توجه انسان به هنر از روی احتیاجی است که

* نویسنده مسؤول: نشانی الکترونیکی: ahangari_41 @ yahoo.com

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1394.10.2.1.4]

به پرمایه کردن زندگی دارد و هنر در واقع، احساسات لطیف را از یکی به دیگری فایض می‌نماید، این است که از ضروریات زندگی شمرده می‌شود و هرچه فیضش عام‌تر باشد، بزرگ‌تر است»(3). پس هرچه افراد بیشتری بتوانند تحت تأثیر یک اثر هنری قرار گیرند، ارزش آن اثر، بیشتر است و در رسالت خود موفق‌تر.

نگارش ادبی نیز از انواع آثار هنری است که نویسنده با تعیین هدف و سبک نگارش ویژهٔ خود سعی می‌کند تا میزان تأثیرگذاری اثر خود را افزایش دهد. هرچه چگونگی تنظیم یک اثر، واضح‌تر باشد ؛ درصد تأثیرگذاری آن در شرایط مشابه، افزون‌تر خواهدبود؛ زیرا، «هدف در نوشتن، پیام‌رسانی است و این هدف زمانی حاصل می‌شود که پیام، روشن و مؤثر باشد. از این رو، پیش از این که نویسنده قلم به دست بگیرد، بهتر است این پرسش‌ها را پاسخ دهد: چه می‌نویسید؟ چرا می‌نویسید؟ برای که می‌نویسد؟ در چه شرایطی می‌نویسد؟» (4). هرچه نویسنده در مشخص نمودن پاسخ این سؤال‌ها دقیق‌تر باشد؛ بی‌شک تأثیرگذاری نوشته‌اش افزون‌تر خواهد بود. تأثیرگذار بودن یک نوشته، تنها به نویسنده بستگی ندارد، گاهی می‌بینیم که نویسنده در پاسخگویی به سؤال‌های بالا، بسیار موفق بوده است و افراد متخصص او را تحسین می‌نمایند و از خواندن نوشتهٔ وی لذت می‌برند؛ اما عده‌ای چنین نظری ندارند؛ این نشان می‌دهد که خواننده هم باید سنجیده و دقیق، مطلب مورد مطالعه‌اش را انتخاب کند و ابتدا دریابد هدف نویسنده چه بوده است؟ و آیا وی از مخاطبان اثر به‌حساب می‌آید؟

کتاب درمانی

قدمت کتاب درمانی[2] به قدمت خود کتاب، یا بهتر است گفته شود؛ به قدمت خواندن، است(5). کتاب درمانی مفهوم جدیدی نیست، برکتیبهٔ سَر در کتابخانهٔ شهر باستانی تبس (در سواحل نیل) نوشته شده است: «شفاخانه روح» که به‌عنوان قدیم‌ترین شعار کتابخانه‌ای مشهور جهان تلقی می‌شود (6).

«اگرچه اصطلاح کتاب درمانی ابتدا با سمیوئل کروترز در سال 1916 ابداع شد، اما استفاده از کتاب برای تغییر رفتار و کاهش پریشانی، داستانی طولانی دارد که به قرون وسطی برمی‌گردد(7). نویسندگان مختلف برای کتاب درمانی، تعاریف مختلفی ارائه کرده‌اند. تعریف کلی از این شیوه درمان چنین است: «مجموعه‌ای از فنون که از طریق اشتراک دوجانبه ادبیات -در وسیع‌ترین مفهوم ممکن- میان مددکار و مددجو[3]، ایجاد تعامل می‌کند.» کتاب درمانی از همهٔ شاخه‌های ادبیات مانند داستان‌های کوتاه، زندگی‌نامه‌ها و یادداشت‌های شخصی بهره می‌گیرد»(8) هنگامی‌که در یک زمینه، درمان اعمال می‌شود هر دو مواد داستانی و غیرداستانی می‌تواند کتاب درمانی را تشکیل دهد. «کتاب درمانی داستانی[4] (برای نمونه: رمان‌ها، اشعار) یک فرایند پویاست جایی‌که مواد به‌طور فعال، تحت‌تأثیر شرایط خواننده، تفسیر می‌شود. از دیدگاه روان‌پویایی (سایکودینامیک)، مواد داستانی از طریق فرایندهای شناسایی، تزکیه و بینش، تأثیرگذار می‌شوند. از طریق تطبیق با یک شخصیت داستان، خواننده دستاوردهای موقعیتی جایگزین را که برای مشاهدهٔ مسائل خود می‌خواهد به دست می‌آورد. با همدردی با شخصیت داستان، درمانجو، شکلی از شناسایی را همراه با امید و رهایی از تنش‌های عاطفی به‌دست می‌آورد که متعاقب آن، منجر به بصیرت و تغییرات رفتار وی می‌شود»(9).

مطالعه کتاب، آن هم کتابی خاص یا بخشی خاص از متن کتاب که توسط درمانگر[5] به درمانجوی[6] خاصی توصیه می‌شود، می‌تواند این اثرها را داشته‌باشد (10 و 11):

1. توسعهٔ شناخت و آگاهی
2. آشنایی با سرگذشت زندگی دیگران و اینکه چه راهکارهایی را برای غلبه برمشکلات در پیش گرفته‌اند.
3. الگو قرار دادن و همانندسازی با شخصیت‌هایی که مددجو در کتاب با آنان آشنا می‌شود.
4. آموختن دستورالعمل‌هایی برای زندگی بهتر و تقویت تفکر مثبت.
5. تداعی آزاد هنگام برخورد با مفاهیمی که برای خواننده معنای ویژه‌ای دارند.
6. تحریک خواننده به تفکر، تحلیل نگرش‌ها و رفتارها.
7. فراخوانی احساسات و تجربه‌های مخفی شده به سمت آگاهی.

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1394.10.2.1.4]

8. کمک به شناخت علل رفتار خود و دیگران و تأمین سازگاری مطلوب.

9. کمک جستن از کتاب به‌عنوان پناهگاه امنی که آرزوها و رویاهای آدمی در آن به تحقق می‌پیوندد و پایان خوش آنها به وی امید می‌بخشد و پناهگاهی که به هنگام نیاز، فارغ از واقعیت‌های روزمره به آنها روی می‌آورد.

آنچه به‌صورت مکتوب باعث هدایت، راهنمایی، درمان و تعالی روح می‌شود گاهی به صورت شفاهی همان نقش را ایفا می‌کند. «مردان و زنان خردمند در روستاها قرنها از تمثیل و داستان استفاده کرده‌اند تا به سؤالی پاسخ گویند، یا موضوع پیچیده‌ای را توضیح دهند؛ این بخشی از فرهنگ شفاهی بود و سالمندان با داستان گفتن می‌توانستند خرد و حکمت خود رادر اختیار دیگران بگذارند. داستان‌های آنها از نسلی به نسل دیگر منتقل شده‌است. قصه گفتن فواید بسیاری دارد، از جمله ممارست کودکان در مهارت‌هایی نظیر گوش‌دادن، تجسم، تصور و خیالپردازی. وقتی شما داستانی را به جای خواندن از روی کتاب برای آنها تعریف می‌کنید، آزاد هستید که از تخیل خود استفاده کنید و بعضی کلمات را که حس می‌کنید برای کودک مناسب‌تر است در آن بگنجانید. این حالت خودجوشی، داستان را برای شنونده چیزی منحصر به فرد می‌کند» (12).

پیشینهٔ کتاب درمانی در ایران

مسلمانان ازخواندن قرآن برای، درمان و تزکیهٔ نفس استفاده می‌کنند. آنان با خواندن قرآن یاد و ذکرخداوند را در زندگی خود جاری می‌سازند. «الَّذِينَ آمَنُواْ وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكْرِ اللّهِ أَلاَ بِذِكْرِ اللّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوب: آنان‌که ایمان آوردند و دلهایشان به یاد خدا آرام گیرد؛ همانا که با یاد خدا دلها آرام گیرد» (سورهٔ رعد، آیهٔ 28) سال‌ها قبل حدود 1272 میلادی خواندن قرآن در بیمارستان «المنصور» قاهره به‌عنوان درمان پزشکی تجویز می‌شد(13). البته، نادیده نباید گرفت که شیوهٔ قرآن در ذکر داستان‌های پیشینیان، مصداق بارز اصلاح رفتار مسلمانان با توسل به قصه‌پردازی است که خود نمونهٔ ملموس کتاب درمانی است.

روح بیشتر ایرانیان با کتاب درمانی عجین شده است. تفأل به دیوان حافظ و شاهنامه خوانی در شب یلدا بارزترین نمونهٔ کاربردی آن است. همچنان که در کشاکش‌های تاریخی با خواندن شاهنامهٔ حکیم توس، رخوت و شکست‌پذیری را از خود دور کرده‌اند؛ در دورهٔ معاصر نیز تأثیر شعر در افزایش حس وطن دوستی و دفاع از ارزش‌ها چه در انقلاب و چه در جنگ غیرقابل انکار است. حضرت مولانا در تأثیر سخن، می‌گوید(14):

عالمی را یک سخن ویران کند

روبهان مرده را شیران کند

مولوی خود از جمله خردمندان ادیبی است که در تمامی شش دفتر مثنوی شریف با دستاویز قرار دادن داستان، سعی در هدایت مریدان خود دارد. چنانکه در داستان مشهور طوطی و بازرگان، طوطی گرفتار با شنیدن ماجرای طوطی هندی با قرار دادن خود در موقعیتی جایگزین، شکلی از شناسایی راه رهایی را به‌دست می‌آورد که منجر به دریافت بینش جدید و تغییر رفتار وی شده، از اسارت قفس رهایی می‌یابد.

به‌طور قطع، واژگان قوی‌ترین دارویی هستند که توسط بشر استفاده می‌شود(15). هر چند که واژگان سبب هیجان ذهن و شادمانی روح می‌شوند، اما آیا هر نظم و نثری می‌تواند تأثیر ژرف بر خواننده بگذارد؟ برای تأثیرگذاری سخن، میزان آمادگی خواننده یا شنونده بسیار مؤثر است؛ که این تأثیر در افراد مختلف، متفاوت است. شیخ اجل، سعدی، این مطلب را درحکایتی مطرح می‌کند(16): «در بعلبک وقتی کلمه‌ای همی‌گفتم به طریق وعظ... دیدم که نفسم درنمی‌گیرد و آتشم در هیزم‌تر اثر نمی‌کند... در معانی این آیت که «اقرب الیه من حبل الورید» سخن به‌جایی رسانیده گفتم:

دوست نزدیک‌تر از من به من است

وینت مشکل که من از وی دورم

چه کنم با که توان گفت که او

در کنار من و من مهجورم

من از شراب این سخن مست و فضالهٔ قدح در دست که رونده‌ای بر کنار مجلس گذر کرد و دور آخر در او اثر کرد و نعره‌ای زد که دیگران به موافقت او در خروش آمدند و خامان مجلس به جوش(17).

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1394.10.2.1.4]

یکی از کتاب‌هایی که در آن به نقش کتاب و ادبیات در بهبود بیماری روحی[7] می‌توان استناد کرد، کتاب «هزار و یک شب» است. این کتاب، درمان شهریاری است که در پی خیانت همسرش دچار بدبینی بیش از اندازه می‌شود؛ به‌طوری‌که «هرشب باکره‌ای را به زنی آورده، بامدادانش همی‌کشت. تا سه سال، حال بدین منوال گذشت. مردم به ستوه آمده دختران خود برداشته هریک به سویی رفتند و در شهر دختری نماند. وزیر، دختر دیگری برای شهریار پیدا نکرد و چون ناامید شد دخترش به او گفت: مرا به ملک، کابین کن یا من نیز کشته شوم و یا زنده مانم و بلا از دختران مردم بگردانم» (18). شهرزاد به شیوهٔ قصه‌گویی، شهریار را سرگرم می‌کرد. او هر شب، قصه را درجایی متوقف نموده تا پادشاه شیفتهٔ شنیدن ادامهٔ قصه شود و کشتن او را به روز دیگر بیندازد. شهرزاد با گفتن داستان‌هایی از خیانت زنان و مردان به شاه یادآوری می‌کرد که افراد دیگری نیز دچار این مشکل شده‌اند و به آنها خیانت شده‌است و خیانتکاران نتیجهٔ خیانت خود را دیده‌اند. او در همهٔ داستان‌ها با عبارت مثبت «ای ملک جوان بخت» شاه را خطاب می‌کرد. شهرزاد به ارزش و قدرت واژگان، آگاهی داشت و با این آگاهی، سخنانش عاری از زخم زبان و کینه‌توزی بود. زیرا، همان‌قدر که کلام سنجیده، اثربخش است، سخن نسجیده، در فرایند درمان و حتی در روابط روزمرهٔ اجتماعی، مخرب است. شهرزاد بدین شیوه، شاه را افسون افسانه‌پردازی‌های خود کرده او را شیفتهٔ شنیدن می‌سازد؛ تا آن که در شب چهارصد و یکم، داستانی در مورد پاکدامنی و عفاف زنی تعریف می‌کند و به این شیوه می‌گوید که؛ همهٔ زنان، خیانتکار نیستند.

در حقیقت، شهرزاد در طول هزار و یک شب با مطرح کردن حکایت‌ها و موعظه‌های فراوان به شهریار آرامش می‌دهد؛ تا جایی‌که خواهر شهرزاد از او می‌خواهد که حکایت پایانی را تعریف کند و این نشان می‌دهد وی در گفتن داستان‌ها یک برنامهٔ منظم و منسجم داشته است و با دیگران هم مشورت می‌کرده است. پس از آن که هزار و یک شب برنامهٔ تعریف داستان به پایان رسید. «در این مدت شهرزاد از ملک سه پسر داشت. چون این حکایات به پایان رسانید، زمین ببوسید و گفت: ای ملک جهان، اکنون هزار و یک شب است که حکایت و مواعظ متقدمین از بهر تو حدیث می‌کنم اگر اجازت دهی، تمنایی دارم. ملک گفت هرچه می‌خواهی تمنا کن. شهرزاد بانگ به دایگان زد؛ فرزندان او را حاضر آوردند... و گفت: اینان فرزندان توآند، تمنا دارم که مرا به کودکان ببخشایی و از کشتنم آزاد کنی. ملک کودکان را به سینه گرفت و گفت: به خدا سوگند که من پیش از این تو را بخشیده بودم و از هر آسیب، امان داده بودم»(18). بیماری شاه در مدت سه سال در وجودش ریشه دار شده بود و در ازای هر سال بیماری به‌طور تقریبی سیصد و سی و سه داستان برای درمانش تعریف کردند. تاآنجاکه شهریار در پایان به وزیر خود، پدر شهرزاد، می‌گوید: «خدای تعالی بر تو ببخشاید که کریمهٔ خود را به من تزویج کردی وسبب منع من از کشتن دختران مردم شدی»(18).

در این داستان، استفادهٔ مناسب از شیوهٔ قصه‌گویی (نوعی ادبیات درمانی یا کتاب درمانی) دلیل اصلی بهبود شهریار بوده‌است. کتاب درمانی شهرزاد، کتاب درمانی بالینی است اما باید توجه داشت که روند استفاده از کتاب درمانی، یک روند طولانی و برنامه‌ریزی شده‌است و نیاز به صبر و حوصلهٔ بسیار دارد. برنامهٔ کتاب درمانی تا درمان کامل شخص باید ادامه یابد. همچنین این برنامه، به محیطی آرام نیاز دارد. سنّت قصه‌گویی در شب به لحاظ موقعیت زمانی، آرامش و سکوت، تأثیرپذیری بیشتری دارد. این که شهرزاد هر شب، داستان را در مرحله ای حساس تمام می‌کرد؛ نشان می‌دهد علاقه‌مندی مخاطب و امید به ادامهٔ استفاده از کتاب به‌عنوان درمان، تضمین کنندهٔ درمان کامل است.

همچنین اسکندر مقدونی از ارسطو می‌خواهد تا او را نصیحت کند(19) :

خطی چند بفرست خاطر پسند
که باشد به هر خطه ام سودمند
بود هر خطش چون صدف‌های در
ز اندرزهای حکیمانه پر

در واقع می‌توان نوشتهٔ ارسطو را درمانگر و اسکندر را درمانجو دانست. این نوع تأثیر، کتاب درمانی رشدی است که باعث تعالی فرد و کسب آگاهی و دریافتی نو از زندگی می‌شود که شاعرپارسی زبان، جامی، آن را به بهترین شیوه پرورده است.

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1394.10.2.1.4]

هدف اصلی بیان داستانی حکمت آموز و سرشار از مباحث اخلاقی است که همگان از آن بهره ببرند. «مسئلهٔ اخلاق در هنر، از جمله در شعر، به‌عنوان هنر کلامی، همواره مورد توجه ادیبان، فیلسوفان و منتقدان حوزه‌های اخلاق، ادب و هنربوده است. اخلاقگرایان تندرو، وظیفهٔ هنر را خدمت به اخلاق می‌دانند و هرگونه اثر هنری خارج از هنجارهای اخلاقی را نادرست می‌انگارند. دیدگاه مقابل این نگرش، هنرگرایی تندرو است. این دیدگاه، از هرگونه اثر هنری، تنها انتظار هنری بودن را دارد و نه چیز دیگر؛ و انتظارش از اخلاق و جامعه نیز این است که در خدمت هنر باشند. دیدگاه سوم، که میانه‌روتر به نظر می‌رسد، به دیدگاه «آمیخته» معروف است، که بر تعامل میان اخلاق و هنر تأکید می‌ورزد» (20). دیدگاه سوم یعنی دیدگاه تعامل میان اخلاق و هنر می‌تواند در کتاب درمانی بیشترین تأثیر را داشته باشد. وقتی هنر (شعر) به‌صورت افراطی تنها در خدمت اخلاق باشد یا فقط جنبهٔ زیبایی داشته باشد؛ در جذب مخاطب برای رشد و درمان نمی تواند در طیف وسیعی موفق باشد اما در حالت اعتدال می‌توان نتایج مطلوب‌تری را به دست آورد.

کتاب درمانی و آموزش اخلاق[8] و حکمت

کتاب درمانی از دو جنبه بررسی می‌شود: «کتاب درمانی بالینی[9]» و «کتاب درمانی رشدی[10]». کتاب درمانی بالینی شامل روش‌های روان‌درمانی است که پزشکان مجرب از آن با یک برنامهٔ درمانی خاص، برای افرادی که دچار مشکلات رفتاری و عاطفی هستند، استفاده می‌کنند. اما کتاب درمانی رشدی برای کمک به افراد سالم، در جهت رشد و تکامل طبیعی آنها به‌کار می‌رود و می‌کوشد نیازها را پیش از این که مشکل‌ساز شود، پیش‌بینی و رفع کند. کتاب درمانی رشدی به افراد کمک می‌کند تا مراحل زندگی را با اطلاعات از پیش فراهم آمده و الگوگیری، طی کنند (21). کتاب درمانی رشدی در ایران بسیار کاربرد داشته چنانکه بخش عظیمی از ادب فارسی را تحت‌عنوان «ادب تعلیمی» به خود اختصاص داده‌است. کتاب‌هایی که محتوای اخلاقی و حکمی دارند مصداق واقعی کتاب درمانی رشدی هستند. در دربار شاهان ایرانی کتاب‌هایی تحت عنوان «نصیحت‌الملوک» و در مصداق کلی‌تر در ذیل عنوان «اندرزنامه» به‌طور ویژه برای رشد و تکامل فکری و شخصیتی پادشاهان و به‌طور اعم برای همهٔ مردم تدوین شده بودند که همراه با ذکر داستان سعی داشتند آنان را در تدبیر ملک و رعایت روابط اجتماعی و انجام تکالیف فردی و حل مشکلات یاری نمایند.

ادبیات به چهار شیوه در رشد عاطفی[11] سهیم می‌شود: نخست، ادبیات به درمانجو ثابت می‌کند که در بسیاری از احساس‌ها مانند دیگران هستند و این که بروز این احساس‌ها و عواطف در آن‌ها امری عادی و طبیعی است. دوم، ادبیات، هرگونه احساس را از دیدگاه‌های گوناگون به بررسی می‌گیرد و تصویری کامل از آن به دست می‌دهد و برپایهٔ اصولی، آن احساس ویژه را شناسایی می‌کند. سوم، کنش‌های شخصیت‌های گوناگون دیدگاه‌هایی را برای شیوه‌های برخورد با عواطفی ویژه ارائه می‌دهد. چهارم، ادبیات به روشنی نشان می‌دهد که هر فرد، عواطف گوناگونی را تجربه می‌کند و دیگر این که این عواطف گاهی در تضاد و کشمکش با یکدیگر قرار می‌گیرند(22).

در فرهنگ فارسی کتاب ارزشمندی به نام «سیاست‌نامه» یا «سیرالملوک» وجود دارد که هدف اصلی تألیف آن پرورش اخلاقی و راهنمایی شاه در دستیابی به پاسخ پرسش‌هایی است که در امور کشورداری مطرح می‌گشت. در مقدمهٔ سیاست‌نامه چنین آمده‌است: «چنین گوید ناسخ کتاب‌های خزانه که سبب نهادن این کتاب آن بود که سلطان سعید، ملکشاه -انارالله برهانه- در سال چهارصد و هفتادونه چند کس را که از بزرگان دولت و پیران و دانایان بفرمود که: «هریک در معنی مملکت اندیشه کنید و بنگرید تا چیست که در عهد و روزگار ما نیک است و در دیوان و درگاه و مجلس و بارگاه ما شرط آن را به جای نمی‌آورند یا بر ما پوشیده است و کدام شغل است که پیش از ما پادشاهان، شرایط آن به‌جا آورده‌اند و ما تدارک آن نمی‌کنیم و نیز هر چه از آیین و رسم ملوک گذشته بوده است همچو آل‌سلجوق و دیگران بیندیشید و روشن بنویسید و بر رای ما عرضه کنید تا ما در آن تأمل کنیم تا پس از این کارهای دینی و دنیاوی برقاعدهٔ خویش رود و شرط هر شغلی به جا آورده شود، و آنچه نه نیک رفته است از آن باز دارند که چون خدای -

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1394.10.2.1.4]

تعالی- جهان را به ما ارزانی داشت و نعمت‌ها بر ما تمام گردانید و دشمنان ما مقهور کرد نباید که هیچ چیز در مملکت ما بعد از این ناقص باشد و شغل‌ها به ناواجب رود و یا چیزی بر ما پوشیده ماند» و این اشاره به نظام‌الملک و شرف‌الملک و مجدالملک و مانند این طایفه کرده بود. پس هرکسی را آنچه فراز آمد در این معنی بنوشتند و بر رأی عالی عرضه کردند، از آن هیچ کس را پسندیده نیامد مگر از آن وزیر، نظام المک،- رحمةالله (23). قابوس‌نامه اثر کی‌کاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر، کتابی است که نویسنده آن را با هدف رشد شخصیت، تعالی اخلاق و خرد فرزندش گیلانشاه نوشت. «ای پسر چون من نام خویش را در دایرهٔ گذشتگان یافتم روی را چنان یافتم که پیش از آن که نامهٔ عزل به من رسد نامه‌ای دگر در نکوهش روزگار و سازش و کار و بیش بهرگی جستن از نیک‌نامی یاد کنم و تو را از آن بهره کنم، بر موجب مهر خویش تا پیش از آن که دست زمانه تو را نرم کند تو خود به چشم عقل در [سخن] من نگری، فزونی یابی و نیک‌نامی در دو جهان. مبادا که دل تو از کار بستن بازماند. و بدان ای پسر که سرشت مردم چنان آمد که تکاپو کند تا از دنیا آنچه نصیب [او] آمده باشد به گرامی‌تر کس خویش بماند و نصیب من از دنیا این سخن گفتن آمده و گرامی‌تر کس، بر من تویی. چون ساز رحیل کردم آنچه نصیب من بود پیش تو فرستادم تا خودکامه نباشی و پرهیز کنی از ناشایست» (24). با توجه به سخنان نویسنده، قابوس‌نامه را می‌توان یک نوع کتاب درمانی رشدی دانست. هرچند مخاطب خاص دارد اما همه می‌توانند از مطالب آن استفاده کنند.

کلیله‌ودمنه کتاب دیگری است که هدف اصلی نگارش آن، آموزش حکمت و سیاست[12] به سلاطین هند است. این کتاب در دربار سلاطین هند در خزانه نگهداری می‌شد و این که چگونه برزویهٔ طبیب توانست از آن نسخه‌برداری کند و به ایران بیاورد جای سپاس و یادکرد نکو دارد. سبب علت و ترجمهٔ کتاب و نقل آن از هندوستان به پارس آن بود که آن پادشاه عادل بختیار و شهریار عالم کامکار، انوشروان کسری بن قباد، ... را به سمع رسانیدند که در خزائن ملوک هند کتابی است که از زبان مرغان و بهایم و وحوش و طیور جمع کرده‌اند و پادشاهان را در سیاست رعیت و بسط عدل و رأفت و قمع خصمان و قهر دشمنان بدان حاجت باشد...آن خسرو عادل همت برآن مقصور گردانید که آن را ببیند و فرمود که مردی هنرمند باید طلبید که زبان پارسی و هندی بداند... آن گاه مثال داد تا روزی مسعود و طالعی میمون برای حرکت تعیین کردند... [برزویه] فرا می‌نمود که برای طلب علم هجرتی کرده‌ام (25). برزویه توانست با کمک دوستش نسخه‌ای از کتاب تهیه کند و به ایران بیاورد.

رسم رایج در دربارها خواندن کتاب برای شهریاران بوده که خود، آموزش حکمت و به نوعی کتاب درمانی بوده‌است. در داستان خسروپرویز، هرمز- پدر وی- چنین می‌گوید(26):

مرا نزد تو آرزو بد سه چیز
برین برفزونی نخواهیم نیز
یکی آن که شبگیر هر بامداد
کنی گوش ما را به آواز شاد
و دیگر سواری زگردنکشان
که از رزم دیرینه دارد نشان
بر من فرستی که از کارزار
سخن گوید و کرده باشد شکار
دگر آنکه داننده مرد کهن
که از شهریاران گزارد سخن
نبشته یکی دفتر آرد مرا
بدان درد و سختی سرآرد مرا
دگر آنکه باشد دبیر کهن
که بر شاه خواند گذشته سخن

این از خواسته‌های اصلی پادشاه است که مرد دانای باتجربه، کتابی را برای او بخواند که با آن رنج و سختی را به پایان برساند. در بیت اخیر، مقصود پادشاه کسب حالتی فراتر از شاد شدن است. پادشاه می‌خواهد با خواندن کتاب، آگاهی و حکمت کسب کند و از رنج‌های روحی رها شود و راه حلی برای مشکلات حال و آینده‌اش بیابد.

بعد از آن که خسرو پرویز به پادشاهی می‌رسد بهرام چوبین طغیان می‌کند. خسرو افرادی را می‌فرستد تا از وضعیت بهرام برای او خبر بیاورند؛ جاسوسان بعد از توصیف کارهای بهرام چنین می‌گویند(26):

جز از رسم شاهان نراند همی
همه دفتر دمنه خواند همی

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1394.10.2.1.4]

خسرو پرویز با شنیدن این خبر احساس خطر می‌کند و می‌گوید: «که کاری دراز است ما را بپیش» (26). خسرو در تحلیل خود از حال و کار بهرام، ابتدا او را جنگاوری قدرتمندی می‌داند؛ دوم آن که آیین پادشاهی را در دربار شاهان آموخته‌است و(26) :

سیم، کش کلیله است و دمنه وزیر

چون او رای زن کس ندارد دبیر

موافق کلام خسرو پرویز، کتاب بهترین رایزن و رهنمون است که در زمان‌های دشوار زندگی با پناه بردن بدان، می‌توان به‌راحتی ازتنگناها به درآمد.

در دورهٔ قاجار هم برای ناصرالدین شاه، کتاب می‌خوانده‌اند که در خاطرات اعتمادالسلطنه آمده است. «ذات اقدس مبلغی صحبت متفرقه فرموده دستور صبحانه فرمودند. بنده هم مشغول خواندن ویس و رامین گردیدم. هرگاه به مطلب حساس و محرک می‌رسیدم لقمه در گلوی قبله علم‌گیر نموده به حال خفگی می‌افتادند. اما همچنان اشاره می‌فرمودند که مطلب را رها ننموده ادامه دهم» (27).

بازنویسی[13] و بازآفرینی[14] داستان‌های متون فاخر ادبی؛ همانند کلیله‌ودمنه، مثنوی معنوی، شاهنامه فردوسی، قابوس‌نامه و... شیوه‌ای جدید در استفاده از کتاب‌درمانی رشدی است. در این راستا، می‌توان مهدی آذر یزدی نویسندهٔ فعال معاصر کودک و نوجوان را نام برد. در آموزش و پرورش هم کم و بیش از شیوهٔ کتاب درمانی رشدی استفاده می‌شود اما نیاز به بررسی و بازنگری اساسی دارد. «در مجموع سه دوره [ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان]، مفهوم اخلاقی صلح مورد بی‌توجهی کامل و مفاهیم اخلاقی شأن و منزلت، گشاده‌رویی، بردباری، اعتماد، دوستی و رفاقت مورد کم‌توجهی فراوان قرار گرفته اند و مفاهیم وفاداری، مسؤولیت‌پذیری، تعهد و وظیفه‌شناسی، احترام و ادب و نزاکت بیشترین میزان متوجه را به خود اختصاص داده‌اند.»(28). توجه صاحب‌نظران و مؤلفان کتب درسی به پژوهش‌های اخلاقی و کتاب‌درمانی ضروری است تا در تنظیم و تألیف کتب درسی از آن بهره ببرند.

روان‌شناسان زبده و ادیبان فرهیخته می‌توانند با یاری همدیگر به باز آفرینی یا آفرینش داستان‌های تمثیلی با هدف تبدیل به آثاری برای کتاب‌درمانی بالینی بپردازند و از آن درمراکز بازپروری[15]، مشاوره و به‌طورکلی مراکز درمانی استفاده نمایند. «در زمان حاضر، شتاب روزافزون چرخهٔ زندگی و سرعت ورود فن‌آوری‌های جدید، مجال بیشتر پرداختن به حقیقت وجود و زندگی را از آدمیان سلب کرده است. تأثیر چنین تغییراتی بر هنر امروزی نیز دور از انتظار نیست. نتیجهٔ به فراموشی سپردن زیر ساخت‌های اخلاقی و اسلوب هنرورزی در مراحل تولید آثار هنری و توجه صرف به بعد اقتصادی تولیدات، با وجود چنین جمعیت کثیری از آدمیان و گرایش‌ها و علاقه‌مندی‌های خیل عظیمی از آنان به انجام کارهای هنری، بعضاً آثاری سرگردان و فاقد هویت خواهد بود که جاودانگی ندارند.»(29). همین مسئله باعث شده امروزه متون فاخر زیادی نباشد که بتوان از آن در رشد اخلاقی و درمان بالینی استفاده کرد.

نتیجه‌گیری

آثار ادبی اعم از نظم و نثر هرکدام در ورای زیبایی هنری ویژهٔ خود همواره با هدف همانندسازی حال نگارنده با خواننده پدید آمده‌اند. مفاهیم اخلاقی، جریانی سیال است که در متون مختلف ادبی جاری است و از این‌رو می‌توان برای بهبود رفتار و هدایت انسان‌ها و تغییردادن سبک زندگی آنان از طریق کتاب‌درمانی و نیز برای اثربخشی بیشتر از متون ادبی بهره گرفت زیرا کتاب درمانی با متون ادبی انجام می‌پذیرد. تأثیر کتاب در دگرگون‌سازی نگرش و شیوهٔ برخورد با مشکلات حیات از دیرباز شناخته‌شده‌بود. درمان با کتاب اگر آگاهانه، به موقع و با برنامه‌ریزی باشد؛ تأثیرگذارترین ابزار غیرمستقیم و درعین‌حال لذّت‌بخش و سرگرم‌کننده است. ازاین‌رو، گزینش کتاب از دشوارترین مراحل به شمار می‌آید؛ زیرا باید مطابق با سطح درک و علاقه و منطبق با نیازهای درمانجو باشد. داستان‌های واقع‌گرا می‌توانند اطلاعاتی مناسب در بارهٔ مشکل موردنظر به درمانجو بدهند و شیوهٔ برخورد فرد را نسبت به مشکل دگرگون سازند، چنان‌که در داستان هزار و یکشب این‌گونه اتفاق افتاد. «اریک فروم معتقد است برای ایجاد تأثیرات فرهنگی مطلوب می‌توان

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1394.10.2.1.4]

به بسیاری از عوامل و ابزارها تکیه کرد اما کتاب یکی از مهم‌ترین آنهاست. از طریق کتاب می‌توان عناصر جدید فرهنگی را به ذهن خواننده انتقال داد و ترکیب جدیدی در او ایجاد کرد»(30).

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاقی امانت‌داری علمی رعایت و حق معنوی مؤلفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه‌نامه

رشد شخصیّت	1. Personality Development
کتاب درمانی	2. Book Therapy
مددکار و مددجو	3. Worker and Aid
کتاب درمانی داستانی	4. Fictional BookTherapy
درمانگر	5. Therapist
درمانجو	6. Treatment Seeker
بیماری روحی	7. Mental Illness
آموزش اخلاق	8. Moral Education
کتاب درمانی بالینی	9. Book clinical treatment
کتاب درمانی رشدی	10. Developmental Book Therapy
رشد عاطفی	11. Emotional development
آموزش حکمت و سیاست	12. Teaching philosophy and politics
بازنویسی	13. Rewriting
بازآفرینی	14. Recreation
مراکز بازپروری	15. Rehabilitation Centers

منابع

1. Ebrami H. (1999). Cognitive knowledge. Tehran: Ketabdar Publicatio. P. 27. (In Persian).
2. Hafiz M. (1989). Divan, with the effort of Khalil Khatib Rahbar. 5thed. Tehran: Safi Ali Shah. P. 650. (In Persian).
3. Foroughi MA. (1965). a journey in European wisdom. Tehran: Zavar Publication. P. 225. (In Persian).
4. Samiee A. (1990). Writing Skills. 3rded. Tehran: Daneshgahi Publication. Pp. 9-10. (In Persian).
5. Tabrizi M, Tabrizi O. (2009). Book Therapy. Tehran: Fararavan Publication. P. 21. (In Persian).
6. Al-Yasin M. (2000). The value And Content of Book Therapy. Translated by: Javaheri MH, Haj Ahmadi S. (2013). Social Science Quarterly; (95): 90-99. (In Persian).
7. McKenna G, Hevey D, Martin E. (2010). Patients' and providers' perspectives on bibliotherapy in primary care. Clinical Psychology & Psychotherapy; 17: 497-509.
8. Al-Yasin M. (2000). Samples of The Applied Book Therapy. Tarbiat Magazine; 32-38. (In Persian).
9. Schutt RK, Deng X, StoehrT. (2013). Using bibliotherapy to enhance probation and reduce recidivism. Journal of Offender Rehabilitation; 5 (3): 5.
10. Tirger (Bita), Mojgan,Book Therapy, Tehran,Golbang, p44 (In Persian).
11. Al-Yasin M. (2000), Translation of The value And Content of Book Therapy. Tarbiat Magazine; 37.
12. Roshan A. (2006). Fiction Narrative. Translated by: Yazdani B, Emadi M. Tehran: Javane Roshd Publication. Pp.39-40. (In Persian).
13. Tews RM. (1962). Bibliothrapy. Encyclopedia of Library and Information Science; 2: 448-457.
14. Molavi Balkhi Jalaledin. (1260 CE). Masnavi (First Chapter). Corrected by: Nikelson R. (1925-1940). Tehran: Soad Publication. P. 2172. (In Persian).
15. Bromberg M. (2005). Absolutely Essential words. Translated by: Danshvary R. (2009). Tehran: Jungle Publications. P. 67. (In Persian).
16. Mahlujizadeh Mahabadi M. (2012). Literature Therapy. Roshd Persian Language and Literature; 103(3): 16-19. (In Persian).
17. Sadi SH. (1258 CE). Golestan. Corrected by: Rahbar KK. (1995). Tehran: Safi Alishah Publication. Pp. 162-164. (In Persian).
18. Tasuji Abdollatif. (2004). Hezaro Yek Shab. Tehran: Hermes Publication. Pp. 8 & 2329. (In Persian).
19. Jami A. (1468-1485 CE). Haft Orang. Tehran: Sadi Publication. P. 977. (In Persian).

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1394.10.2.1.4]

20. Rakei F. (2014). Ethics in Poetry. Journal of Ethics in Science & Technology, 9(3) :1. (In Persian).

21. Golzari M. (1987). Book Therapy. Tehran: Ghalamro Publication. P. 45. (In Persian).

22. Ghaeni Z. (2012). What is Bibliotherapy? Available at: http://ketabak.org.tarvij/node/644. Accessed: 1 Aug 2014.

23. Tusi Khaje Nezamulmolk. (492-511 IC). Seirolmoluk. Corrected by: Dark H. (1961). Tehran: Zavvar Publication. P. 3-4. (In Persian).

24. Ghabus Ibn Voshmgir. (475 IC). Ghabusnameh. Corrected By: Yusefi GH. (1985). Tehran: Cultural and Scientific. Pp. 3-4. (In Persian).

25. Monshi N. (1966). Kelileh Demneh.Tehran: Piruz Publication. Pp. 30-31. (In Persian).

26. Ferdousi A. (977-1010 CE). Shahnameh. Corrected By: Jul mul. (1995). Tehran: Golestan Publication. p1413-1415 (In Persian).

27. Sarmad F. (1991). Sanioduleh, Mirza Mohammad Khan: The Memories Newspaper of Etemadosaltaneh. Tehran: Novin Publication. P. 97. (In Persian).

28. Atashak M. (2012). The goals of education reflect the concept of global ethics. Journal of Ethics in Science & Technology;7(2):7. (In Persian).

29. Daryaie N. (2012). Ethics, Jewel Iranian arts. Journal of Ethics in Science & Technology; 7(3):1. (In Persian).

30. Shahrudi A. (2009). Forugh, Book Like a Therapeutic, The Growth Book Therapy For The Children,Book The Moon of The Children. Teharn: Mordad Publication. P. 10. (In Persian).

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1394.10.2.1.4]